

مقاله پژوهشی

سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی دوگانه شهروندان استان خوزستان در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران

بهرام نیک بخش^{۱*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۷

چکیده

در پژوهش حاضر، تأثیر میزان سرمایه اجتماعی بر روی گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصولگرایی شهروندان استان خوزستان مورد بررسی قرار گرفت. برای آنالیز داده‌ها از آزمون‌های، تحلیل F و تحلیل رگرسیون ترتیبی و تحلیل حداقل مربعات جزئی براساس نرم‌افزار SPSS و PLS-SAMART3 استفاده شد. همچنین سنجش گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصولگرایی شهروندان استان خوزستان برحسب میزان سرمایه اجتماعی طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶ لغایت ۱۳۹۲)، طراحی و تحلیل گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان بالای ۳۶ سال استان خوزستان و نمونه آماری تعداد ۱۹۲۰ نفر در شهرستان‌های دارای جمعیت بیش از ۱۱۰,۰۰۰ نفر جمعیت بوده که جهت کسب دیتای آماری از ابزار ساختارمند پرسشنامه با روش طبقه‌بندی متناسب با حجم استفاده گردید. در این راستا برای به‌دست آوردن میزان VALIDITY داده‌ها، معیار سازه‌ای و معیار توافق تجربی به شکل نرمال بکار گرفته شد. با استفاده از نتایج پژوهش مشخص گردید که دوگانه گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصولگرایی شهروندان خوزستانی به‌صورت معناداری از میزان سرمایه اجتماعی نواحی مختلف متأثر و دارای همبستگی آشکار است. به جز متغیر سن ارتباط معنادار بین دوگانه گرایش‌های سیاسی و میزان سرمایه اجتماعی برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر جنس، قومیت، سکونت و شاخص SES تأیید گردید. همچنین عقربه قطب-نمای گرایش‌های سیاسی نشان داد که بیشترین تعلقات سیاسی متأثر از سرمایه اجتماعی به شکل مستقیم، مربوط به گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی شهروندان خوزستانی است.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، گرایش‌های سیاسی، انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، استان خوزستان.

۱- مربی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

۱. مقدمه و بیان مسئله

در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی و سرمایه اجتماعی بر رفتارهای سیاسی رای دهی شهروندان استان خوزستان در انتخابات ریاست جمهوری طی سه دوره زمانی (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) جهت شناسایی تأثیر و تأثرات گرایش‌های دوگانه اعتدال‌گرایی و اصولگرایی بهره‌برداری شد تا جهت‌پذیری گرایش‌های سیاسی مطابق نتایج آرای انتخاباتی، جهت‌کندیدای دو جبهه اعتدال‌گرایی و اصولگرایی تعیین و درجه‌بندی شود. در این راستا نتایج آماری منوط به نتایج انتخابات، با سطوح سرمایه اجتماعی شهروندان به صورت جداگانه تطبیق داده شد. همچنین مسئله اصلی تحقیق به این شکل طراحی گردید که آیا قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصولگرایی مطابق با میزان سرمایه اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای نظیر قومیت، سن، جنس، سکونت و شاخص SES تأثیرگذار است.

از نظر پوتنام (۲۰۱۰)، سرمایه اجتماعی چندگانه علاوه بر کاهش هزینه‌های سیاسی، باعث افزایش مشارکت سیاسی و انتخاباتی خواهد شد. بوردیو (۲۰۰۰) و فوکویاما (۱۳۷۹)، معتقد است که جامعه نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت در زمینه سرمایه اجتماعی تا رسیدن به سطح توسعه اجتماعی است. همچنین از نظر جها^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، پرداختن به مفهوم سرمایه اجتماعی بر مدار گرایش‌های سیاسی، می‌تواند ارزش‌های فردی و اجتماعی را خلق می‌کند. اهمیت و ضرورت این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران بین شهروندان استان خوزستان است. چراکه مردم بیشتر کاندیدایی را انتخاب می‌کنند که توانایی از بین بردن ناکارآمدی هیات حاکمه را داشته باشد (ابوالحسنی، ۱۳۸۴: ۱).

ثبات و انسجام سیاسی در جوامع مختلف متأثر از سرمایه اجتماعی است (پناهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۱). چون سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مؤثر است. گرایش‌های سیاسی شهروندان بر نحوه فعالیت آنان در شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذار است چراکه گرایش‌های سیاسی یکی از مسائل روز جامعه بشمار می‌رود (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۸). به طوری که گرایش‌های سیاسی^۲ و سرمایه اجتماعی تأثیر زیادی بر تصمیمات فردی و گروهی دارد (بوردیو^۳، ۱۹۹۲).

1. gha

2. Political leanings

3. bourdieu

در این راستا، هدف پژوهش حاضر، قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی برحسب میزان سرمایه اجتماعی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان است تا معین شود که شهروندان استان خوزستان به کدام یک از طیف‌های دوگانه سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی برحسب میزان برخورداری هر شهر از سرمایه اجتماعی گرایش دارند.

در این زمینه الگوهای رأی‌دهی شهروندان، برای کاندیدای انتخاباتی دو طیف اعتدال‌گرایی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری طی سه دوره انتخابات ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ شناسایی و اولویت‌بندی گردید تا رنگ‌بندی‌های سیاسی مطابق با میزان سرمایه اجتماعی هر شهرستان مورد آنالیز قرار گیرد و مشخص شود که این گرایش‌های سیاسی به چه میزان متأثر از متغیرهای جمعیتی شناختی نظیر شاخص SES، سن، قومیت، جنس و سکونت خواهد بود. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر اساس اولویت‌بخشی گرایش‌های سیاسی، مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) است تا مشخص شود که شهروندان استان خوزستان برحسب میزان سرمایه اجتماعی، به کدام یک از طیف‌های سیاسی رایج در کشور گرایش دارند.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات خارجی مرتبط: تحقیقات اسنادی جها^۱ و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی» در آمریکا نشان دادند که؛ گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی بر تصمیمات گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد. در ادامه، سن تأثیر سرمایه‌های اجتماعی بر گرایش‌های دموکراتیک را کاهش نمی‌دهد و سرمایه‌های اجتماعی بالا با رای بیشتر به حزب دموکراتیک در ارتباط است.

مولیگان^۲ (۲۰۰۸) در مورد «نتایج آراء ملی افراد رای‌دهنده آمریکایی» در روزنامه‌ی لس‌آنجلس تایمز گزارش داد که از رای‌دهندگان پرسیده شد که آنان چه چیزی را مهم‌ترین فاکتور در زمان رای‌دهی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ آمریکا در نظر گرفته بودند، ۳۳ درصد ارزش‌های اخلاقی و کرداری را به‌عنوان مهم‌ترین فاکتور جواب‌دهی انتخاب نمودند.

1. Jha, Banerjee Boudreaux

2. Mulligan

مطالعه اینگهار و وستوود^۱ (۲۰۱۵) و بیکر^۲ (۲۰۱۰) نشان داد که سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی تأثیرگذار است. ژوتر و هیندلز^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی باعث تعلقات سیاسی می‌شود؟» نشان دادند که تعلقات سیاسی می‌تواند رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی داشته باشد.

همچنین موفه^۴ (۲۰۱۴)، اعتقاد دارد در کشورهایی که سرمایه اجتماعی شهروندانشان بالا است، میزان گرایش به رفتارهای دموکراتیک نیز بیشتر خواهد بود. تیلی^۵ (۲۰۱۳) به «بررسی تأثیر قومیت بر گرایش‌های سیاسی» پرداخت و مشخص نمود که قومیت به‌تنهایی موجب تضعیف گرایش‌های سیاسی نمی‌شود، بلکه محافظه‌کاران نقش میانجی و واسط در این زمینه دارند.

فانک و بتمن^۶ (۲۰۱۳)، با مقاله‌ای تحت عنوان «نقش گرایش‌های سیاسی رای دهندگان»، نشان دادند که رای دهندگانی که گرایش سیاسی محافظه‌کارانه دارند به داشتن دموکراسی مستقیم در جامعه تمایل بیشتری نشان داده‌اند. رایس و لینگ^۷ (۲۰۰۰) به «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و دموکراسی در ۱۱ کشور اروپایی و آمریکایی» به این نتیجه رسیدند که گرایش رفرمیستی در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا تقویت می‌شود (رستگار و عظیمی، ۱۳۹۳: ۹۱).

بولاندر و پیناکر (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و شرکت در انتخابات در بین اقلیت‌های قومیتی در کانادا» نشان دادند که شاخص (SES) و سرمایه اجتماعی تا حدودی بر شرکت در انتخابات تأثیرگذار است.

ژاکوبی^۸ (۲۰۱۴: ۷۱۹) در تحقیقی تحت عنوان «گرایش‌های سیاسی شهروندان» بیان می‌کند که جهت‌گیری‌هایی در مورد آزادی، امنیت اقتصادی، ساختار اجتماعی، اخلاقیات، فردگرایی و وطن‌پرستی باعث خلق فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌شود. علیرغم نوسانات معاصر در ارزش‌ها از جمله آزادی فردی در مقابل فشار و ارباب و استراق سمع از سوی دولت، ارزش‌های فردی و گرایش‌های حزبی در گذر زمان نسبتاً باثبات هستند.

-
1. Iyengar & Westwood
 2. baker
 3. Jottier & heyndels
 4. muffe
 5. tailly
 6. Funck & betmman
 7. reis & leing
 8. Jacoby

گلین^۱ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش مردم بر رای دادن در انتخابات» استدلال می‌کنند که گرایش‌های سیاسی افراد متأثر از فهم آنان از هنجارهای اجتماعی است.

گربر^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های رای دادن» به بررسی تأثیرپذیری گرایش‌های سیاسی بر هنجارهای اجتماعی پرداخته‌اند و مشخص شد هنگامی که هنجارهای اجتماعی در جامعه تقویت می‌شود، میزان مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و مشارکت‌کنندگان سیاسی تلاش می‌کنند تا گرایش‌های سیاسی خود را در یک سطح حفظ نمایند.

کلنسر (۲۰۰۷)، به اهمیت سرمایه اجتماعی در جهت افزایش فعالیت‌های سیاسی پرداخت. نتایج نشان داد که مشارکت سیاسی در شهرهای بزرگ بیشتر است و مشارکت سیاسی بیشتر شامل مردان جوان است. همچنین در این تحقیق مشخص شد که جنسیت ارتباطی با گرایش سیاسی ندارد، سن با مشارکت سیاسی ارتباط ندارد و درآمد و تحصیلات رابطه‌ی مثبتی با گرایش‌های سیاسی دارد.

در زمینه تحقیقات داخلی مرتبط: احمدی و مرادی (۱۳۹۷) با تحقیق خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های شهروندی» نشان دادند که مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بر فعالیت سیاسی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است (احمدی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). همچنین تحقیق خلفخانی و حیدری (۱۳۹۴) با موضوع «بررسی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی» مؤید یافته‌های فوق است.

سرمردی و همکاران (۱۳۹۳) ضمن بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات، نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت در انتخابات به‌عنوان یک مقوله سیاسی تأثیرگذار است.

ذوالفقاری و فعلی (۱۳۸۸) با تحقیق خود تحت عنوان «تأثیر جایگاه جوانان در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش آنان به ارزش‌های دموکراتیک»، نشان داد که بین سن و تحصیلات با میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک ارتباط وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سن و سطح تحصیلات، میل به پذیرش ارزش‌های دموکراتیک نیز تقویت می‌شود (ذوالفقاری و فعلی، ۱۳۸۸: ۷۵).

1. Glynn
2. gerber

ابوالحسنی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «گرایش سیاسی مردم، اصلاح‌طلبی و محافظه‌کاری» نشان داد که در سال ۱۳۸۴ اکثریت جامعه ضمن پذیرش نظام سیاسی از وضع موجود ناراضی و خواهان اصلاح آن بودند. شکست اصلاح‌طلبان و پیروزی آنان طی سال‌های ۸۴ و ۷۶ مبین شکست و موفقیت این دو جریان نیست بلکه نشان‌دهنده گرایش‌های رفرمیستی در میان مردم است؛ بنابراین توزیع آراء در سال ۷۶ بیشتر بیانگر تفوقات اصلاح‌طلبانه در جامعه، ولی آراء در سال ۸۴ بیانگر نارضایتی شدید مردم از مدیریت سیاسی حاکم و گرایش به تغییر مدیریت بوده و آراء در سال ۹۲ بدون توجه به خاستگاه سیاسی و عمدتاً نگاه اقتصادی و رفاهی داشته است. موفقیت آقای خاتمی در سال ۷۶ معرف گرایش برتر اصلاح‌طلبان در جامعه بوده و نتیجه مرحله دوم انتخابات ۱۳۸۴ نشان‌دهنده عدم رضایت‌مندی مردم از کارآمدی نخبگان حاکم بوده است. نتایج انتخابات در سال ۱۳۹۲ بیانگر ناکارآمدی نخبگان حاکم و فساد اداری بوده است (ابوالحسنی، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۲).

نتایج آراء در سال ۹۲ بدون توجه به خاستگاه فرهنگی، فکری و سیاسی و عمدتاً نگاه اقتصادی و رفاهی داشته است؛ که خود بیانگر ناکارآمدی نخبگان حاکم به همراه عدم شفاف‌سازی و فساد اداری بوده است.

عالم (۱۳۷۹)، در تحقیق خود با عنوان «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی»، گرایش‌های سیاسی را در ایران موردبررسی قرار داد. الف) طیف رادیکال یک نوع موضع‌گیری با اعتقاد به حل مشکلات به کمک عقل است. ب) اما محافظه‌کاران کسانی هستند که از وضع موجود کاملاً پشتیبانی می‌کنند. چراکه به نظر محافظه‌کاران نباید میراث گذشتگان را یک‌باره کنار گذاشت (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۷۳).

در پژوهش حاضر؛ به سبب پرداختن به مفهوم تعلقات سیاسی افراد و سرمایه اجتماعی و هم به لحاظ روش‌شناختی، به‌نوعی یک تحقیق نوآورانه در استان خوزستان با بهره‌گیری از ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی (آلتوسویی و هنجاری) به روش معادلات ساختاری است؛ بنابراین در این پژوهش، نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی در تعلقات سیاسی شهروندان موردبررسی قرار گرفت و همچنین به قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی برحسب میزان سرمایه اجتماعی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان پرداخته شد.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

نظر جین لایگلی (۲۰۱۵) این است که گرایش سیاسی افراد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی است که به آن تعلق دارند؛ از این رو افراد به دلیل افکار شخصی خود دست به انتخاب سیاسی نمی‌زنند، بلکه معیارهای گروهی است که رفتار سیاسی آنان را هدایت می‌کند (جها و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۰۲). همچنین براساس نظریه‌ی بلاو، پیوند اجتماعی زمانی حفظ و تقویت می‌شود که افراد در مقابل آن پاداش بگیرند. پاداش، محرک کنشگران به رفتار سیاسی خاصی است که با گرایش سیاسی افراد رابطه دارد (میرزایی و جعفری، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

سرمایه اجتماعی از نظر روپاسینگها و گوتز، جنبه‌ای از روابط میان فردی است که باعث تقویت فعالیت‌های اجتماعی می‌شود (فتحی، ۱۳۹۵). همچنین پیوندهای اجتماعی و قومیتی احتمالاً تعیین‌کننده نوع گرایش‌های سیاسی باشد (لیپست^۱، ۱۹۶۸).

به نظر می‌رسد نظریات متفاوتی درباره سرمایه اجتماعی وجود دارد: از نظر برخی نظریه-پردازان تنوع و اختلاف عقاید برحسب مسائل مذهبی و قومیتی می‌تواند عامل اصلی کاهش یا افزایش فعالیت‌های سیاسی باشد. در این راستا، برخی جامعه‌شناسان نظیر پوتنام (۲۰۰۰) و وربا (۲۰۰۹)، استدلال می‌کنند که تفاوت‌های اجتماعی برحسب مسائل شخصیتی، قومی و اعتقادی؛ بی‌میلی سیاسی را افزایش دهد.

سرنوشت سیاسی و اجتماعی افراد با تعیین نوع گرایش‌های سیاسی تعیین می‌شود. گرایش به قطب‌بندی‌های سیاسی مختلف می‌تواند الگوهای سیاسی را در کشور تعیین کند؛ بنابراین آشکارسازی گرایش‌های سیاسی متأثر از قابلیت‌های مختلف سیاسی است. در این راستا سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیمی است که با تعیین نوع طیف‌بندی‌های سیاسی دوگانه در ارتباط است. روپاسینگهای و گوتز (۲۰۰۲) سرمایه اجتماعی را به ۲ بعد هنجارهای و آلتوسویی تقسیم و شاخص خود را در این زمینه گویه سازی نمودند.

براساس نظر پوتنام (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی یک حلقه اتصال و شبکه‌ای از روابط افقی و عمودی است که می‌تواند بین دو شاخص مدنظر روپاسینگهای و گوتز ارتباط برقرار نماید. از نظر سیدنی و وربا^۲ (۲۰۰۹)، فهم بهتر گرایش‌ها در گروه پی بردن به نقش تعاملات اجتماعی سازنده است. چراکه گرایش‌های سیاسی تحت تأثیر افرادی است که به صورت روزانه با آنان در ارتباط هستند.

1. lipset

2. sydney & verba

نظریه‌ی بلاو، نیز بر این مساله تأکید دارد که پیوند اجتماعی با اخذ پاداش تقویت می‌شود. چون این پاداش محرک کنشگران سیاسی به سمت یک طیف سیاسی خاصی است. به‌طور کلی سرمایه اجتماعی فعالیت‌های اجتماعی را حفظ و تقویت می‌نماید (فوکویاما، ۱۳۸۵) و گرایش‌های سیاسی را در میان شهروندان هدفمند می‌سازد. چون ابعاد سرمایه اجتماعی باعث تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. در ادامه مهم‌ترین نظریات تخصصی در حوزه جامعه‌شناسی و علوم انسانی مرتبط با سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی ارائه می‌گردد.

نظریه بسترهای عمومی و توسعه: عوامل اجتماعی از نظر هابرماس بر سیاست تأثیر دارند و اختلاف زیاد در شاخص (SES) برای روند دموکراتیک یک کشور زیان‌آور است (صبوری، ۱۳۸۱: ۸۰). هانتینگتون نیز اعتقاد دارد که پایین بودن سطح (SES)، مانع از شکل‌گیری گرایش‌های سیاسی هدفمند برای افراد واقع در طبقات پایین جامعه است (صباغ‌پور، ۱۳۷۳: ۸۱).

همچنین در این رهیافت، هرمز مهرداد (۱۳۷۶) اعتقاد دارد که گرایش‌های سیاسی متأثر از طبقه‌بندی اجتماعی است.

نظریه سیستم شبکه‌ای: از نظریه‌پردازان معروف این نظریه گرانووتر^۱ (۲۰۰۵)، با عنوان «قدرت پیوندهای سست» است. براساس این نظریه میزان سرمایه اجتماعی هنگامی که روابط بین اعضای مستحکم‌تر شود، کمتر خواهد بود (نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰).

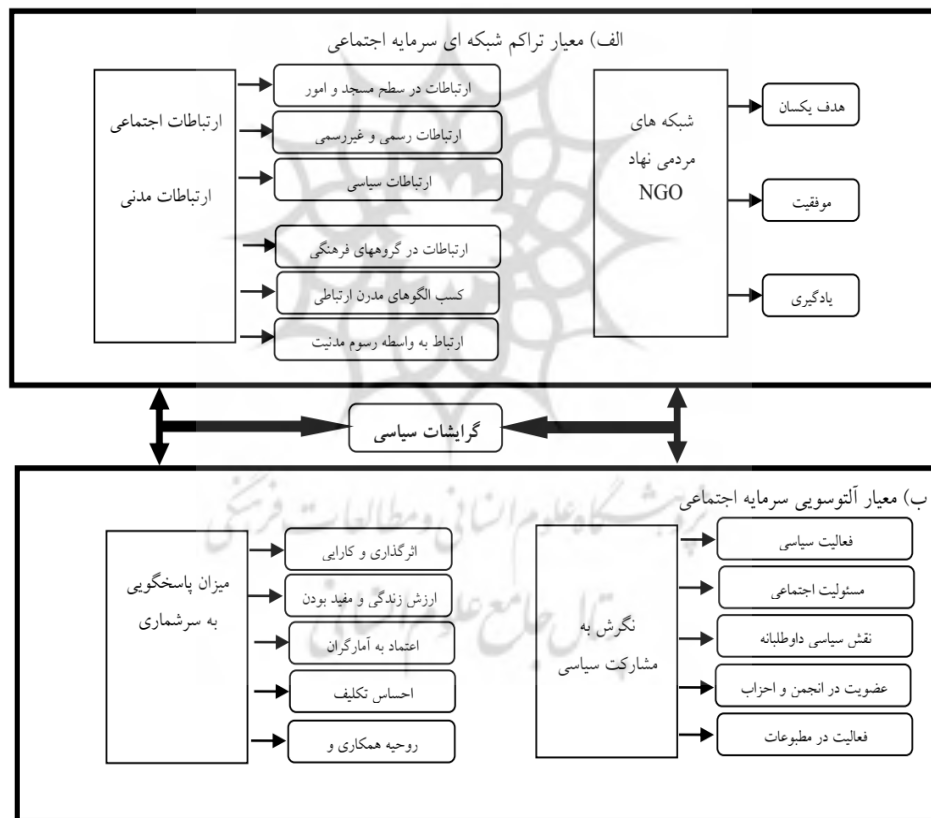
ممکن است که افراد جامعه تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و ادار به شرکت در انتخابات شوند و این نظریه به کمک نظریه سرمایه اجتماعی نقش انسجام اجتماعی را در فعالیت‌های سیاسی تقویت می‌کند. همچنین، از نظر اسمیت^۲ (۲۰۱۳) همکاری پایین در بین مردم دلیل بر عدم‌گرایش شهروندان به فعالیت‌های سیاسی است.

نظریه انگیزه عمومی: وایتلی و سید^۳ (۲۰۰۹) این رهیافت را زیرمجموعه نظریه انتخاب آگاهانه می‌دانند. افراد به شرکت در فعالیت‌های سیاسی به خاطر یک نوع ایدئولوژی افراطی تشویق شوند، چون این نوع گرایش‌های افراد با همفکران خودش تشریک‌مساعی بیشتری خواهد داشت.

1. Granovetter
2. smith
3. whiteley & seyed

در نتیجه این نظریه می‌توان برداشت کرد که وفاداری‌های افراد در احزاب سیاسی می‌تواند بر روی فعالیت‌های سیاسی افراد در احزاب سیاسی تأثیرگذار باشد (رهبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳).

نظریه انتخاب آگاهانه: مهم‌ترین ریشه این نظریه، گزینش عقلانی معطوف به هدف است (ریتزر، ۱۳۸۰: ۶۴). برحسب دیدگاه انتخاب آگاهانه چگونگی تأمین منافع جهت‌گیرهای سیاسی را مشخص می‌سازد؛ بنابراین رفتار سیاسی افراد تابعی از مقوله پاداش عدم پاداش است. چراکه افراد پیوسته به دنبال تأمین منافع خود و قدم گذاشتن در این زمینه هستند. در این راستا و براساس نظریات مطروحه و ادبیات نظری تحقیق، مدل نظری پژوهش به شکل زیر ترسیم می‌گردد.



مدل ۱: مدل تجربی تحقیق (تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی)

۳-۱. فرضیات پژوهش

الف) فرضیات مبتنی بر نتایج جمعیت‌شناختی پژوهش:

- ۱- بین سن افراد با ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی اصولگرایی و اعتدال‌گرایی رابطه وجود دارد.
 - ۲- میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی اصولگرایی و اعتدال‌گرایی در بین مردان و زنان تفاوت وجود دارد.
 - ۳- میان ابعاد دوگانه اعتدال‌گرایی و اصولگرایی گرایش‌های سیاسی در بین افراد برحسب شاخص SES (شغل، تحصیلات و درآمد) تفاوت وجود دارد.
 - ۴- میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی برحسب اصولگرایی و اعتدال‌گرایی در بین قومیت‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
 - ۵- میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی اصولگرایی و اعتدال‌گرایی در بین افراد برحسب محل سکونت آنان تفاوت وجود دارد.
- ب) فرضیات فرعی پژوهش:
- ۱- بین گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی و ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - ۲- بین گرایش به طیف سیاسی اصولگرایی و ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - ۳- بین گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی و ابعاد هنجاری - آلتوسویی سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - ۴- بین گرایش به طیف سیاسی اصولگرایی و ابعاد هنجاری - آلتوسویی سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ج) فرضیات اصلی پژوهش:
- ۱- قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور اعتدال‌گرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است.
 - ۲- قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است.

۳- قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور دوگانه اعتدال‌گرایی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث متدولوژی، جزء تحقیقات علمی و کاربردی است. همچنین برای جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات مکتسبه، از روش پیمایشی- توصیفی برای گردآوری داده‌ها در قالب پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. پس از دسته‌بندی و تعیین چگونگی پارامتریک یا غیر پارامتریک بودن فرضیات پژوهش، برای آنالیز کردن داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون‌هایی نظیر آزمون F و T، رگرسیون ساده و چندگانه و آزمون معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی یا PLS استفاده گردید. همچنین جهت تجزیه و تحلیل آماری داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار تخصصی اس پی اس در دو بخش توصیفی و استنباطی و برای تنظیم معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی و رسم نمودارها، از نرم‌افزار هوشمند پی ال اس اسمارت استفاده گردید.

جامعه آماری پژوهش، استان خوزستان و نمونه آماری شهروندان ۳۶ سال به بالا شهرستان‌های دارای بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت با یک واحد تحلیلی تطبیقی است که در سطح خرد اطلاعات و داده‌های لازم با ۱۹۲۵ نمونه در سطح ۵ شهرستان بالای ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت در استان خوزستان جمع‌آوری و داده‌های مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی، مستقل و وابسته مورد آنالیز قرار گرفت.

قابل‌ذکر است که مشاهدات لازم برای دو طیف سیاسی اصولگرایی و اعتدال‌گرایی با استفاده از نتایج انتخابات ریاست جمهوری در استان خوزستان و جهت‌گیری آرای واریز شده به صندوق طی سه دوره ۱۳۸۴، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۲ برای هر دو گرایش ذکر شده صورت پذیرفت. روش نمونه‌گیری؛ نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب با حجم با استفاده از جدول استاندارد گرجسی و مورگان تعیین گردید.

برای سنجش میزان سرمایه‌های اجتماعی از شاخص سرمایه اجتماعی روپاسینگهای و گوتز در قالب جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه با ۲ شاخص و ۲۰ گویه مورد استفاده و سنجش قرار گرفت. برای تعیین روایی ابزار به‌کار گرفته شده، از روایی سازه‌ای در قالب

تحلیل عاملی استفاده شد که مقدار آزمون شاخص کیزر و مایرادر سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بود که خود نشانه‌ای از همبستگی بین گویه‌ها و دارا بودن بار عاملی^۲ مناسب است. همچنین از روایی ملاک یا معیار تجربی جهت شناسایی معیارهای دقیق شاخص‌بندی در دو طیف گرایش‌های سیاسی اصولگرایی و اعتدال‌گرایی با حصول اطمینان از گرایش‌های سیاسی آنان استفاده و در ادامه پرسشنامه گرایش‌های سیاسی با گویه‌های خود ارزیاب تنظیم و توزیع گردید.

جدول ۱: مقدار آلفای کرونباخ و اندازه‌گیری مدل‌های پژوهش

C.R	AVE	VIF	Condition Index	Eigenvalue	شاخص‌های پژوهش	آلفای کرونباخ	مدل‌های سازنده
۰/۸۰	۰/۷۴	۱/۰۳	۲/۴۳	۱/۰۲	بعد شبکه‌ای	۷۸/۲۳	سرمایه اجتماعی
		۱/۴۶	۲/۰۳	۲/۱۳	بعد آلتوسوی		گرایش‌های سیاسی
۰/۷۹	۰/۶۸	۱/۴۶	۱/۲۳	۲/۱۵	اصولگرایی	۷۸/۶	گرایش‌های سیاسی
		۱/۱۷	۲/۳۹	۲/۱۹	اعتدال‌گرایی		

۴-۱. تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

گرایش‌های سیاسی:

منظومه‌ای از تفکرات جمع است که در آن خیر عمومی در آن مستتر و نهفته است (شهریاری، ۱۳۹۳: ۱۰۳) که نهادهای اولیه و ثانویه بر این نوع از گرایش‌های سیاسی تأثیرگذار است (وربا، ۱۹۹۵). در این راستا گرایش‌های سیاسی در پژوهش حاضر به ۲ طیف سیاسی، اصولگرایی و اصلاح‌طلبی دسته‌بندی می‌شود.

لازم به ذکر است که تعلقات سیاسی مطابق با رفتارهای سیاسی و الگوهای رأی‌دهی شهروندان استان خوزستان در انتخابات ریاست جمهوری طی سه دوره ۷۶، ۸۴ و ۹۲ طراحی و سپس رفتارهای سیاسی شهروندان براساس نمودار ذیل که یک نوع قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی است، به صورت دقیق تعیین و محاسبه گردید.

گرایش‌های سیاسی به عنوان نتیجه انتخاب سیاسی افرادی است که دارای آگاهی، انگیزه و ظرفیت بالایی برای مشارکت سیاسی بوده‌اند. تحقیقات تجربی عمدتاً بر تأثیرات متغیرهای زمینه‌ای و شخصی بر علاقه به فعالیت‌های سیاسی تمرکز داشته‌اند؛ بنابراین افرادی که به لحاظ سیاسی علاقه‌مندتر، خوش‌بین‌تر و فعال‌تر هستند، بیشتر از دیگران علاقه و گرایش

1. KMO

2. Eigenvalue

سیاسی دارند (آبرامسون و آلدریچ^۱، ۱۹۸۲: ۱۴۶). همچنین افرادی که از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری برخوردار باشند، علاقه و گرایش بیشتری در حوزه‌های سیاسی دارند (میلبراث و گوئل^۲، ۱۹۷۷: ۶۸).

سرمایه اجتماعی روابطی است که در دو حالت شبکه‌ای و هنجاری و حین روابط اجتماعی مردم با همدیگر شکل می‌گیرد (پوتنام، ۲۰۰۹).

بعد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی^۳: که شامل شبکه‌های افقی و عمودی است که این بعد سرمایه اجتماعی در سطح گوناگون روابط رسمی و غیررسمی تأثیر زیادی بر فعالیت سیاسی دارد (پناهی و خوش‌فر، ۱۳۹۰: ۶۷).

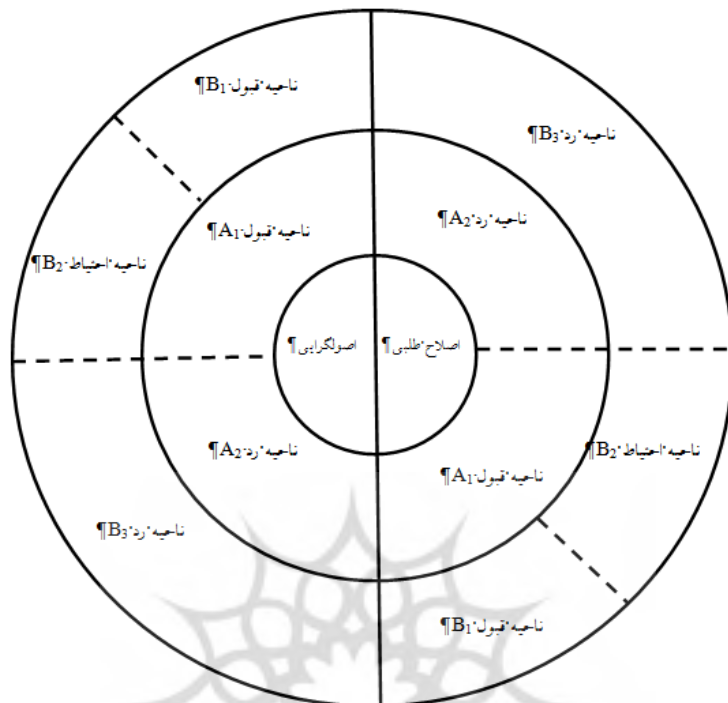
بعد هنجاری (آلتوسویی) سرمایه اجتماعی: این بعد با دو شاخص مشارکت سیاسی و مشارکت در پاسخگویی به آمارگران سرشماری عموم، نفوس و مسکن از سال ۱۳۷۶ تاکنون، سنجیده می‌شود

گویه‌های مورد استفاده در پاسخگویی به آمارگران سرشماری عبارتند از: احساس کارایی داشتن، مفید بودن، اعتماد و احساس مسئولیت اجتماعی است.

گویه‌های مورد استفاده در بعد مشارکت سیاسی عبارتند از: مشارکت در کارزارهای سیاسی، مشارکت به خاطر احساس مسئولیت‌پذیری، نقش‌های سیاسی داوطلبانه، فعالیت در رسانه‌های سیاسی و عضویت در احزاب و انجمن‌های سیاسی است. همچنین معیارهای شبکه‌ای سرمایه اجتماعی عبارتند از: میزان ارتباطات اجتماعی در استان خوزستان و مشارکت در انجمن‌های مردم‌نهاد یا غیردولتی^۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Abramson and R., Aldrich
2. Milbrath, and, Goel
3. Social Networks
4. NGO



مدل ۲: قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی (دوگانه اصولگرایی - اعتدال‌گرایی)

GR (گرایش اعتدال‌گرایی شهروندان) $A1+\Gamma$ یا $B1+T1$

GO (گرایش اصولگرایی شهروندان) $A1+0$ یا $B1+T2$

GG (گرایش غالب سیاسی شهروندان) GM, GO, GR

(منبع: تحلیل نویسنده)

در معادلات قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی منظور از حروف لاتین، $\Gamma, 0$ به ترتیب عبارت است از؛ انتخاب یکی از کاندیدای انتخاباتی با گرایش سیاسی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی. همچنین منظور از حروف لاتین $T1$ و $T2$ این است که: نامزد انتخاباتی یک گرایش سیاسی خاص در بین همان طیف سیاسی بنا به دلایل مختلف (عدم شرکت در انتخابات، رأی به کاندیدای مخالف و شرکت در انتخابات با برگ رای سفید)، انتخاب نشود و منظور از اصطلاح لاتین GG گرایش غالب و عمده سیاسی شهروندان مطابق با کسب بالاترین امتیاز در بین دو طیف سیاسی ذکر شده تعیین و محاسبه می‌گردد. در این راستا، جهت تعیین و سنجش سطح گرایش‌های سیاسی دوگانه شهروندان، برحسب نمودار (۲)، قطب‌نمای تعیین گرایش‌های سیاسی مطابق سنجش‌های ارائه‌شده، تدوین گردید و

قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور دوگانه اعتدال‌گرایی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) تعیین می‌گردد.

در ادامه با استفاده از روش فوق، برای طیف‌های سیاسی دوگانه اعتدال‌گرایی - اصولگرایی به تفکیک برای هر کدام هشت گویه یا سنج در نظر گرفته شد که کمترین و بیشترین امتیازات کسب‌شده به ترتیب نمرات هشت و چهل خواهد بود؛ بنابراین در صورت به دست آوردن حداقل نمره بیست و چهار و انتخاب یکی از نامزدهای انتخاباتی مربوط به همان طیف سیاسی، گرایش سیاسی مربوط به آن طیف سیاسی به عنوان گرایش غالب تعیین و محاسبه گردید.

لازم به ذکر است که، الف) در صورت عدم مشارکت شهروندان استان خوزستان در انتخابات ریاست جمهوری، ب) شرکت و انداختن رأی سفید به صندوق، ج) انتخاب نامزد دیگری از طیف سیاسی مخالف، د) کسب امتیاز بین ۳۲ الی ۴۰ در هر کدام از طیف‌های سیاسی دوگانه، مبنای گرایش سیاسی غالب، دقیقاً براساس بند (د) با در نظر گرفتن سایر موارد محاسبه گردید.

در ادامه، برحسب توضیحات ارائه‌شده فوق مربوط به قطب‌سنجی گرایش‌های دوگانه سیاسی، نسبت به اولویت‌بندی و شناسایی گرایش‌های سیاسی غالب شهروندان استان خوزستان در دو طیف فکری اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی اقدام گردید.

لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر دلایل انتخاب یا عدم انتخاب نامزدهای سیاسی داوطلب توسط شهروندان استان خوزستان در ادوار سه‌گانه انتخابات (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) نیز بررسی می‌گردد.

در این راستا، معیارهای ترکیبی قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور دوگانه اعتدال‌گرایی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) و چگونگی تأثیرپذیری این گرایش‌های سیاسی از میزان سرمایه اجتماعی هر منطقه یا نمونه آماری به شکل ذیل خواهد بود.

(۱) گرایش‌های سیاسی شهروندان متأثر از ارزش‌های آنان است.

(۲) این ارزش‌ها خود تحت تأثیر میزان سرمایه اجتماعی هر شهر قرار می‌گیرد.

۵. یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

مطابق با یافته‌های توصیفی، میانگین سنی پاسخگویان ۳۹ سال بوده است، همچنین به لحاظ جنسیتی، قریب ۶۸ درصد پاسخگویان مردان بودند. برحسب اطلاعات توصیفی قومیتی، بیشترین (۴۵) درصد از افراد مورد مطالعه عرب و کمترین (۱۵) درصد از شهروندان مورد مطالعه را فارس‌های بومی تشکیل دادند.

جهت متغیر تحصیلات، لیسانسه‌ها بیشترین نرخ جمعیتی (۳۴ درصد) و شهروندان دارای مدرک حوزوی کمترین (۱,۵۱ درصد) جمعیت را تشکیل دادند. اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به شغل پاسخگویان نشان می‌دهد که بیش از ۸۵ درصد پاسخگویان شاغل با میانگین درآمد ۲,۷۱۴,۰۰۰ تومان بوده‌اند.

همچنین تمامی سطوح و ابعاد سرمایه اجتماعی (آلتوسویی - شبکه‌ای) شهروندان با میانگین ۳۴ درصد بالاتر از حد متوسط قرار دارد. همچنین تمامی سطوح آلتوسویی و شبکه‌ای سرمایه اجتماعی در میان جامعه آماری مناسب و بالاتر از حد متوسط (۳۰ درصد) گزارش می‌شود.

ب) یافته‌های استنباطی

جدول ۲: سنجش فرضیات جمعیت‌شناختی تحقیق

متغیر ملاک	متغیر جمعیت‌شناختی	F	t	Sig.
اعتدال‌گرایی	SES	۳۲/۰۹	۴/۴۳	۰/۰۰۰
	قومیت	۱۴/۱۵	-	۰/۰۰۰
	سکونت	۷۲/۱۱	-	۰/۰۰۱
	جنس	۲۲/۲۲۳	۴/۴۱۲	۰/۰۰۰
	سن	۲۰/۴۶	۱/۰۳	۰/۰۰۶
اصولگرایی	SES	۱۱/۰۳	-۳/۸۴۱	۰/۰۰۱
	قومیت	۱۸/۰۸	-	۰/۰۰۰
	سکونت	۱۵/۱۳	-	۰/۰۰۰
	جنس	۸/۸۱۱	-۲/۰۸	۰/۰۰۶
	سن	۱/۱۲۱	-۰/۱۵۶	۰/۰۰۰

مطابق با یافته‌های جدول (۲)، نتایج نشان می‌دهد که در بعد گرایش اصولگرایی، شهروندان عرب‌زبان دارای بیشترین میزان گرایش سیاسی غالب هستند. بین سه گروه سنی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نمره شاخص گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی، زنان از

مردان بیشتر است. مطابق با شاخص SES می‌توان تفسیر کرد که این شاخص با طیف سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه معنی‌داری دارد. در خصوص متغیر محل سکونت، شهروندان اهوازی بالاترین میزان گرایش اعتدال‌گرایی و شهرستان آبادان کمترین میزان در این خصوص تعیین گردید. در بعد گرایش ساسی اصولگرایی شهرستان ماهشهر از بالاترین میانگین گرایش سیاسی اصول‌گرایانه برخوردار است.

همچنین در بعد قومیت، بیشترین میزان گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی مربوط به شهروندان بختیاری و بیشترین میزان گرایش سیاسی اصولگرایی مربوط به شهروندان عرب زبان است.

جدول ۳: ارتباط ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی

اصولگرایی	اعتدال‌گرایی	ابعاد سرمایه اجتماعی	
-۰/۱۱۶	۰/۱۴۵	همبستگی	شرکت در سرشماری
۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰	معنی‌داری	
-۰/۴۹	۰/۰۲۳	همبستگی	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰	معنی‌داری	
-۰/۱۱۱	۰/۲۵۳	همبستگی	ارتباطات اجتماعی و مدنی
۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۱	معنی‌داری	
-۰/۲۳۲	۰/۲۵۹	همبستگی	شبکه‌های NGO
۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰	معنی‌داری	
-۰/۲۳۱	۰/۱۱۵	همبستگی	ابعاد هنجاری - آلتوسویی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معنی‌داری	
-۰/۱۳۱	۰/۳۱۳	همبستگی	تراکم شبکه‌های
۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰	معنی‌داری	

جدول (۳) ارتباط ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: بین ابعاد ارتباطات اجتماعی و مدنی و پاسخگویی به سرشماری با گرایش اصولگرایی رابطه منفی و معکوس وجود دارد. در نتیجه بین تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی با قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی دوگانه (اعتدال‌گرایی - اصولگرایی) رابطه معناداری وجود دارد، با این تفاوت که در متغیر اصولگرایی این ارتباط منفی و معکوس است. همچنین بین شبکه‌های مردم‌نهاد با طیف سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۴: معادلات رگرسیونی ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
گرایش سیاسی اصول‌گرایانه	تراکم شبکه‌های	-۰/۰۵۰	-۱/۹	۰/۰۳
	آلتوسویی - هنجاری	-۰/۱۵۰	-۸/۵	۰/۰۰۰
	R = 32.5	R Square = 0.60	F = 50.000	۰/۰۰۰۵
گرایش سیاسی اعتدال گرایانه	تراکم شبکه‌های	۰/۴۲۱	۱۷/۰۶	۰/۰۰۰
	آلتوسویی - هنجاری	۰/۰۳	۰/۱۵۶	۰/۷۴۳
	R = 0.412	R Square = 126	F = 191.00	۰/۵

جدول شماره (۴)، معادلات رگرسیونی ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب‌سنجی

گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد.

- مقدار ضریب همبستگی چندگانه در طیف سیاسی اعتدال‌گرایی با هر دو بعد گرایش‌های سیاسی برابر ۰/۴۱۲ است. مقدار ضریب تعیین بیان‌کننده تبیین ۲۴۱ درصد از واریانس متغیر قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی است. مقدار $F=191,700$ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰۵ رابطه معنی‌دار آماری بین ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی در این طیف را نشان می‌دهد. همچنین مقدار ضرایب استاندارد بتا نشان می‌دهد که گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی به شکل مثبت و مستقیم متأثر از ابعاد آلتوسویی و شبکه‌ای سرمایه است.

- مقدار ضریب همبستگی و رگرسیون آماری در جناح سیاسی اصول‌گرایی برابر ۳۲/۵ است. مقدار R بیان‌کننده تبیین ۳۲ درصد از واریانس متغیر قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایی با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی است. مقدار $F=50$ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰۵ رابطه معنی‌دار آماری بین ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی در این طیف را نشان می‌دهد. همچنین مقدار ضرایب استاندارد بتا نشان می‌دهد که گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایانه به شکل منفی و معکوس متأثر از ابعاد آلتوسویی و شبکه‌ای سرمایه است.

جدول ۵: معادلات رگرسیونی قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی براساس سرمایه اجتماعی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
گرایش اصول‌گرایی	سرمایه اجتماعی	-۰/۱۱۲۰	-۸/۰۳	۰/۰۰۰
	R = 0.34	R Square = 0.05	F = 83.00	۰/۰۰۰
گرایش اعتدال‌گرایی	سرمایه اجتماعی	۰/۳۱۲	۱۵/۱۹	۰/۰۰۰
	R = 0.412	R Square = 0.123	F = 232.31	۰/۰۰۰
کل طیف‌بندی‌های سیاسی	سرمایه اجتماعی	۰/۱۷۸	۵/۱۸۹	۰/۰۰۰
	R = 0.325	R Square = 0.185	F = 21.61	۰/۰۰۰

مطابق جدول (۵)، الف) ضریب همبستگی چندگانه قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور طیف سیاسی اصولگرایی برحسب کل سرمایه اجتماعی برابر $0/34$ است. مقدار $F=83,00$ و سطح معنی‌داری $0/000$ رابطه معنادار آماری بین گرایش سیاسی به طیف اصولگرایی را نشان می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که مدل تحلیل در این طیف قابل تأیید است. همچنین به خاطر منفی بودن مقدار ضرایب بتا می‌توان گفت که کل سرمایه اجتماعی بر این طیف سیاسی تأثیر معکوس و معنادار دارد. ب) ضریب همبستگی چندگانه قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور طیف سیاسی اعتدال‌گرایی برحسب کل سرمایه اجتماعی برابر $0/41$ است. مقدار $F=31/232$ و سطح معنی‌داری $0/005$ رابطه مستقیم و معنادار آماری بین گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی را نشان می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که مدل تحلیل قابل تأیید است. همچنین به خاطر مثبت بودن مقدار ضرایب بتا می‌توان گفت که کل سرمایه اجتماعی بر این طیف سیاسی تأثیر مستقیم و مثبت دارد. ج) مقدار آزمون F در ابعاد دوگانه گرایش‌های سیاسی (اعتدال‌گرایی - اصلاح‌طلبی) معنی‌دار است چون تفاوت میانگین نمره درون‌گروهی و برون‌گروهی در این طیف‌ها معنی‌دار است؛ بنابراین به هر مقداری که سرمایه اجتماعی شیب نزولی یا روند صعودی داشته باشد، گرایش‌های سیاسی غالب شهروندان نیز متأثر از کل میزان سرمایه اجتماعی روند صعودی یا نزولی خواهد داشت. در این راستا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با کاهش میزان سرمایه اجتماعی در هر منطقه به ترتیب اولویت گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان برحسب گرایش‌های اصولگرایی و اعتدال‌گرایی تعیین و انتخاب می‌گردد و عکس این مساله نیز صادق است.

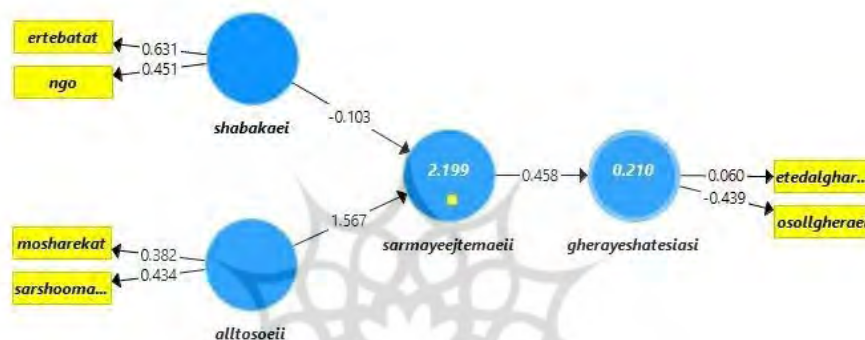
جدول ۶: مدلسنجی گرایش‌های سیاسی برحسب سرمایه اجتماعی

متغیر مستقل	آزمون‌های آماری	گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی	گرایش سیاسی اصولگرایی
سرمایه اجتماعی	ضریب مسیر ^۱	۰,۱۶۲	-۰,۲۳۵
	مقدار t	۹,۶۹۲	۱۹,۱۵
	ارزش مقدار p	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
	مقادیر آزمون F	۰,۰۴۳	۰,۱۳۲
	تفاوت ضریب تعیین ^۲	۰,۳۵۶	۰,۳۷۹

مطابق نتایج جدول (۶) نتایج نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی اصولگرایی و اعتدال‌گرایی در سطح معنی‌داری 99% معنادار و فقط به‌خاطر منفی بودن

1. Path coefficients
2. R square

ضریب مسیر در گرایش سیاسی اصول‌گرایانه (۰/۲۳۵-) این تأثیر روند معکوس دارد. از سوی دیگر، برای بررسی اعتباریابی مدل از شاخص افزونگی^۱ استفاده شد و نتایج نشان داد که مقادیر این شاخص بزرگ‌تر از عدد ۰ است؛ بنابراین اعتبار مدل برای قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی مورد تأیید است. چون گرایش‌های سیاسی برحسب دو طیف سیاسی نشان داده که تولید DEM در متغیر وابسته به خاطر مقدار مطلق خطا (MAE^۲) پایین برحسب دستورالعمل Q2-PREDICT مورد استفاده قرار گرفت.



مدل ۳: معادلات ساختاری مربوط تأثیرپذیری گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی از سرمایه اجتماعی

براساس مدل معادلات ساختاری (PLS) در مدل (۳) فرضیات پژوهش از زاویه دیگر مورد تحلیل و آزمایش و با استفاده از مدل تحلیل مسیر مورد ارزیابی و ساختاریابی قرار گرفته شدند. نتایج نمودار فوق بیانگر این است که گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی محاسبه شده از طریق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی (۰/۰۶۰) بیشتر از گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایانه (۰/۴۳۹-) تحت تأثیر میزان کل سرمایه اجتماعی (۰/۴۵۸) قرار گرفت. همچنین ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی (۰/۱۰۳-) نسبت به ابعاد آلتوسویی (۱/۵۶۷) دارای ضریب تعیین‌کنندگی کمتری در نوع گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی است، به‌عبارتی دیگر در شهرهای با میزان سرمایه اجتماعی بالا در استان خوزستان، متعاقباً گرایش سیاسی آن مناطق بیشتر اعتدال‌گرایانه است تا اصول‌گرایانه؛ بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای ضریب تأثیر بالایی (۰/۴۵۸) بر روی گرایش‌های سیاسی است. به‌عبارت دیگر ضریب مسیر فوق بیانگر این است که سرمایه اجتماعی توانسته است به‌خوبی

1. Redundancy
2. Mean absolute error

تغییرات کل را در متغیر وابسته گرایش‌های سیاسی مورد تبیین قرار دهد چون ضریب معناداری سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی عدد ۰/۴۵۸ است که منفی بودن این ضریب مسیر بیانگر معنی‌دار بودن تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی متغیر گرایش‌های سیاسی در طیف اصول‌گرایانه (۰/۴۳۹-) است. ولی تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی متغیر گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی (۰/۰۶۰) معنادار و مستقیم است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سرمایه اجتماعی فرصت ایده آلی است تا انتخاب آزادانه اشخاص را افزایش دهد. اشخاصی که از استقلال فکری بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند می‌توانند با یک انتخاب هدفمند، گرفتاری‌های خود را کاهش دهند چون این استقلال باعث انگیزش‌های سیاسی افراد می‌گردد (لیک و هاچفلد، ۱۹۹۸: ۵۷۲). همچنین، وربا و همکاران او توضیح می‌دهند که افراد به سه دلیل در کارزارهای سیاسی فعالیت ندارند: یا به دلیل نمی‌توانند، یا به دلیل نمی‌خواهند و یا اینکه هیچ‌کس از آن‌ها طلب نمی‌کند (وربا و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از قاضی رهبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹)؛ بنابراین عدم طلب مشارکت سیاسی می‌تواند از طریق افزایش سرمایه اجتماعی تقویت شود.

سرمایه اجتماعی، مهم‌ترین عامل و زیربنای هر گونه توسعه سیاسی است. در اجتماعات بشری با نقشی سازنده و پیونددهنده در همبستگی جامعه تأثیر بسزایی دارد. همچنین باعث می‌شود که افراد با آزادی بیشتری گرایش‌های ذهنی و سیاسی خود را به‌عنوان یکی از معیارهای توسعه سیاسی و اجتماعی بروز دهند. چون سرمایه اجتماعی به تقویت هم‌رنگی اجتماعی در انتخاب آگاهانه گرایش‌های سیاسی کمک می‌نماید.

میزان تعلقات سیاسی اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی در رده‌های سنی گوناگون تفاوتی ندارد؛ بنابراین بین این نوع از گرایش‌های سیاسی در رده‌های سنی مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد. شاید این موضوع به خاطر تثبیت علقه‌های سیاسی برحسب سطوح سنی گوناگون است. در راستای یافته‌های (کلنسر و همکاران، ۲۰۰۷) سن با سطح گرایش‌های سیاسی ارتباط ندارد. احتمالاً این مساله به خاطر عدم تعلق و تحرک‌پذیری سنی شهروندان استان خوزستان برحسب کوشش‌های سیاسی است. گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایی در بین زنان کمتر از مردان خوزستانی است. احتمالاً علت این موضوع آن باشد که در استان خوزستان زنان دیدگاه

دموکرات‌طلبی بیشتری نسبت به مردان دارند و گزینش سیاسی آنان در انتخابات بر این اساس انجام می‌گیرد (نتایج انتخابات و مشارکت سیاسی بالای زنان خوزستانی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ می‌تواند مؤید این مسئله باشد). چراکه از نظر میچلتی (۲۰۰۴)، زنان نسبت به مردان در مسائل روز سیاسی فعالیت بیشتری دارند.

شهروندان با درآمد بالا کمتر دارای گرایش سیاسی اصولگرایی هستند. در این راستا، وریا (۱۹۹۳) و جها (۲۰۱۸) اعتقاد دارند که طبقات بالای جامعه، بیشتر دارای علقه‌های غیر محافظه‌کارانه هستند. نارضایتی و بدبینی نسبت به نخبگان حاکم در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران یک نوع مانور سیاسی در بین طبقات بالای جامعه برای جابجایی الگوی سیاسی اصولگرایی به اعتدال‌گرایی است. در طیف گرایش‌های سیاسی اصولگرایی شهروندان، شهروندان عرب زبان دارای گرایش سیاسی بالایی در این رابطه هستند. این امر نشان می‌دهد که شکل‌گیری گروه‌های قومی اقتدار سیاسی یک طیف را به چالش کشیده و باعث جهت‌گیری ویژه‌ای به یک نوع گرایش سیاسی خاص باشد. در این راستا، هنگامی که تعلقات قومی در یک منطقه بالا باشد، دیدگاه‌های غیر متفاوتی در این زمینه شکل می‌گیرد و احتمالاً این انسجام قوم‌گرایانه می‌تواند به اشخاص در جهت‌بندی یک نوع گرایش سیاسی یکسان کمک‌کننده باشد.

همچنین نوع سکونت شهروندان در گرایش سیاسی آنان تأثیرگذار است، به نحوی که شهروندان شهرستان اهواز (مرکز استان خوزستان با جمعیت بیش از ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر)، بیشترین تفاوت را نسبت به شهرهای با جمعیت کمتر دارد چراکه انبوهی جمعیت در نوع انتخاب سیاسی تأثیرگذار است. مثلاً در کلان‌شهر اهواز گرایش بر حسب نتایج قطب‌نمای سیاسی، کمتر اصول‌گرایانه است. ولی در شهری مثل ماهشهر دیدگاه‌های اصولگرایی بیشتری وجود دارد. نتایج این بخش با دیدگاه (اسمیت، ۲۰۰۲)، راش (۷۷) و بوناچه (۲۰۱۸) همخوانی دارد، چراکه محل سکونت می‌تواند تعلق‌پذیری سیاسی را متأثر نماید.

گرایش سیاسی اعتدال‌گرایانه رابطه مستقیم با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی (هنجاری و شبکه‌ای) دارد. بر این اساس با رشد و تقویت سرمایه اجتماعی، ذهنیت غیر محافظه‌کارانه شکل می‌پذیرد. چون نگاه مثبت به تشکلهای اجتماعی باعث شکل‌گیری یک هم‌صدایی در طرز تفکر سیاسی بر زمینه باورهای سیاسی اعتدال‌گرایانه می‌گردد. چراکه ویژگی اصلی سرمایه اجتماعی، شکل‌گیری ذهنیت پویا و غیر محافظه‌کارانه است. چراکه تقویت سرمایه اجتماعی مولد مشارکت سیاسی و باورهای اعتماد‌زا در این زمینه است. احتمالاً عضویت

شهروندان در شبکه‌های اجتماعی، مولد ارزش‌هایی است که باعث گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی می‌گردد. یافته‌ها و تفسیر سیاسی فوق با تحقیقات گلین و همکاران (۲۰۰۹) و جها (۲۰۱۸) مطابقت دارد.

گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایانه شهروندان استان رابطه معکوس و معناداری با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی (هنجاری و شبکه‌ای) دارد. احتمالاً، جهت‌دهی رفتار سیاسی شهروندان مطابق با باورداشت‌های مشترک آنان است. چراکه باورداشت‌های مشترک بر رفتار انتخاباتی افراد در زمینه انتخاب طیف سیاسی اصولگرایی تأثیرگذار است؛ بنابراین براساس ارزش‌های ثابت و مشترک شهروندان است که میزان تعلق‌پذیری به جناح سیاسی اصولگرایی نضج می‌گیرد و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در این طیف، تعلقات سیاسی را معکوس می‌نماید. به نظر می‌رسد که محافظه‌کاران به این دلیل با دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی مخالفت می‌نمایند که تردید دارند آیا می‌توانند در صورت تغییرات سیاسی به چیز بهتری دست پیدا کرد یا خیر. چون از نظر عالم (۱۳۷۹) محافظه‌کاران در نهادهای موجود ارزشی ذاتی می‌بینند و چندان تمایلی به تغییر آن ارزش‌ها ندارند. نتایج و تفسیر سیاسی به‌عمل‌آمده با تحقیقات داوسون و والندورف، (۱۹۸۵)، ژوتر و هیندلز (۲۰۱۲) و پوتنام (۲۰۰۲) در بخش ادبیات و چهارچوب نظری هماهنگ است.

نتایج پژوهش نشان داد که قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی به‌صورت ترکیبی بر محور دوگانه اعتدال‌گرایی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران متأثر از سطوح دوگانه سرمایه اجتماعی است. چراکه برحسب قطب‌نمای اولویت‌بندی گرایش‌های سیاسی بیشترین و کمترین وفاداری جناحی در استان خوزستان به‌ترتیب مربوط به جناح اعتدال‌گرایی و اصولگرایی است. چراکه، سرمایه اجتماعی در استان خوزستان کمترین تأثیر را بر روی طیف فکری اصولگرایی شهروندان داشته است. رابطه منفی و معکوس بین ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی و گرایش سیاسی محافظه‌کارانه منجر به تغییرات معکوس گرایش سیاسی اصول‌گرایانه اشخاص در فعالیت‌های سیاسی شهروندان می‌گردد. در نتیجه یکی از مهم‌ترین عوامل تحرک بخشی به فعالیت‌های سیاسی، متغیر سرمایه اجتماعی است. در این راستا داونز (۲۰۰۲) در نظریه انتخاب عقلایی، هرگونه رفتار سیاسی را نتیجه انتخابگری کنشگران سیاسی به اهداف سیاسی مطلوب خود می‌داند. نتایج یافته‌های این بخش با تحقیقات نظریه انتخاب عقلانی داونز (۲۰۰۲)، در بخش ادبیات و چهارچوب نظری همسو است.

نتایج تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی بر قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور اعتدال‌گرایی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) تأثیرگذار است. چون شهروندانی که در شهرهای با میزان سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، جهت‌گیری سیاسی خاص و ویژه‌ای به یکی از دو جناح سیاسی اصولگرایی یا اعتدال‌گرایی دارند. چراکه تقویت سرمایه اجتماعی باعث تقویت همبستگی سیاسی و تهییج شهروندان به فعالیت‌های سیاسی می‌شود و احتمالاً بر این اساس انتخاب سیاسی شهروندان به‌صورت معناداری یک جهت خاص را دنبال می‌نماید. رشد سرمایه اجتماعی، احتمالاً امکان تعویض گرایش‌های سیاسی به‌سمت طیف سیاسی اعتدال‌گرایی را جابجا می‌سازد، چون بنیان سرمایه اجتماعی (ارتباطات، هنجارهای اجتماعی و ایجاد جامعه شبکه‌ای) در شکل‌گیری امور سیاسی غیرمحافظة‌کارانه است. همچنین با تقویت سرمایه اجتماعی به ترتیب اولویت گرایش‌های سیاسی بر حسب گرایش‌های اعتدال‌گرایی و اصولگرایی تعیین و انتخاب می‌گردد، چراکه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در نوع تعلقات سیاسی شهروندان تأثیر دارد. یافته‌ها و تفسیر سیاسی فوق با دیدگاه بوالحسنی (۱۳۸۴) و هانتینگتون (۲۰۰۴) در بخش ادبیات تحقیق همسو است.

پیشنهادات پژوهش

- نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر اولویت‌بخشی به گرایش‌های سیاسی تأثیر دارد؛ بنابراین لازم است متأثر شدن از رنگ‌بندی‌های سیاسی و هنجارها و شبکه‌های اجتماعی در قالب مطالعات میدانی به‌صورت مجزا در آینده مورد پژوهش قرار گیرد.
- نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر کل گرایش‌های سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری سال‌های (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) تأثیر دارد؛ بنابراین افزایش میزان سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر گرایش‌های سیاسی به شکل پویا و هدفمند در مقوله مشارکت سیاسی نیز مورد پژوهش قرار گیرد چون عده‌ای از پاسخگویان در انتخابات سه دوره مذکور مشارکت نداشته‌اند.
- نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر روی گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایانه رابطه معنی‌داری و معکوسی وجود دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود نقش سرمایه‌های اجتماعی در جابجا کردن گرایش‌های سیاسی مطابق سلايق روز از حیث سیاسی و ارزشی مورد مذاقه

بیشتر قرار گیرد. چراکه در پژوهش حاضر با افزایش سرمایه‌های اجتماعی گرایش‌های سیاسی اصولگرایی تغییر معکوس می‌یابد.

همچنین پیشنهاد می‌شود افزایش ارتباطات و سرمایه‌های اجتماعی بر تغییرات مستقیم گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی مورد پژوهش بیشتر فرار گیرد. چراکه سرمایه‌های اجتماعی به شکل مستقیم و بیشترین تأثیر را بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی دارد. همچنین لازم است نقش فروپاشی سرمایه اجتماعی بر این روند مورد بازبینی قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

در پایان از مساعدت و همکاری شهروندان محترم استان خوزستان در زمینه تکمیل و جمع‌آوری داده‌های مربوطه تقدیر و تشکر بعمل می‌آید.



منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم. (۱۳۸۴). «نگرش و گرایش‌های سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۹، ۲۴-۱.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). *نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه‌ی مردیپا، مرتضی، تهران: نی.
- خوش‌فر، غلامرضا و پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی استان گلستان»، *پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان*. دوره ۲، شماره ۱، ۸۲-۶۱.
- جعفری، فاطمه و میرزایی، خلیل. (۱۳۸۸). «تأثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر گرایش سیاسی دانش آموزان دبیرستان رودهن»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۳، ۱۷۷-۱۶۱.
- خلفخانی، مهدی و حیدری، مرجان. (۱۳۹۴). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرکرد»، *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*. دوره ۱، شماره ۹، ۷۸-۴۸.
- ذوالفقاری، ابوالفضل و فعلی، جواد. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر جایگاه جوانان تهران در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک»، *فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی*. دوره ۲، شماره ۵، ۲۰۱-۱۷۷.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۹۱). «رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک»، *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۵۹، ۱۳۲-۸۹.
- ساعی، علی و کریمی، زهیر. (۱۳۹۱). «تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۱۴، ۱۴۸-۱۱۶.
- شهریاری، حیدر. (۱۳۹۳). «تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران»، *فصلنامه دانش سیاسی*. دوره ۲، شماره ۲۰، ۱۰۱-۶۳.
- صباغ‌پور، علی‌اصغر. (۱۳۷۳). *بررسی نگرش سیاسی - مذهبی جوانان ذکور تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی؛ دانشگاه تربیت مدرس.
- صبوری، منوچهر. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*. تهران: نشر شب‌تاب.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۹). «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۴۸، ۱۵۵-۱۱۵.
- عباسی‌سرمدی، مهدی؛ مهرابی‌کوشکی، راضیه و رهبر قاضی، محمودرضا. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت در انتخابات»، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*. دوره ۵، شماره ۲، ۶۰-۴۱.
- فتحی، یوسف. (۱۳۹۵). «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و جمعیت جوان و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی با تأکید بر قران و حدیث»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی*، دوره ۲، شماره ۶، ۱۳۳-۱۰۱.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). *آمریکا بر سر تقاطع: دموکراسی، قدرت و میراث جریان نو محافظه‌کاری در آمریکا*، ترجمه‌ی امیری وحید، مجتبی. تهران: نشر نی.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). *پایان نظم*. ترجمه‌ی توسلی، غلامعباس. تهران: جامعه ایران.

قاضی رهبر، محمود؛ امام جمعه‌زاده، سید جواد؛ هرسیج، حسین و حاتمی، عباس. (۱۳۹۳). *تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان، هنر اصفهان و علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲)*، پایان‌نامه‌ی دکتری رشته‌ی علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان دانشکده علوم اداری گروه علوم سیاسی.

کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه‌ی صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.

مرادی، سالار و احمدی، یعقوب (۱۳۹۷). «سرمایه اجتماعی و فرهنگ شهروندی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۲۷، شماره ۱۸، ۱۲۹-۱۰۱.

هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*، ترجمه‌ی محمدی، جمال. تهران: نشر افکار.

- Abramson, P., Aldrich, J. (1982). "The decline of electoral participation in America". *American Political Science Review*, 76, 14-28.
- Baker, H., Farrelly, G. and Edelman, R. (2010). "Factors Influencing on Dividend Policy of Nasdaq firms". *Financial Review*, 38, 19-38.
- Bevelander, P., Pendakur, R. (2009). "Social capital and voting participation of immigrants and minorities in Canada". *Ethnic and Racial Studies*, 32, 101-125
- Bourdieu, P., Wacquant, I. (1992). *An Invitation to Reflexive Sociology*, Chicago. University of Chicago Press.
- Coleman, J. (1995). *Achievement-Oriented School Design*. In: Hallinan, M.T. *Restructuring Schools: Promising Practices and Policies*. Plenum, New York.
- Fukuyama, F. (2002). *Our Posthuman Future: Consequences of the Biotechnology Revolution*. Publisher: Picador USA.
- Fukuyama, F. (2001). "Social capital, civil society and development". *Third World Quarterly*, 22(1), 7-20.
- Gerber, A., Green, S. and Christopher, W. (2008). "Social Pressure and Voter Turnout: Evidence from a Large-Scale Field Experiment". *American Political Science Review*, 32(3), 610-701.
- Glynn, C., Huge, M. and Lunney, C. (2009). "The influence of perceived social normson college students' intention to vote". *Political Communication*, 26, 121-139.
- Granovetter, M. (2005). *Social structure: American Journal of Sociology*, 91.
- Iyengar, S., Westwood, S. (2015). "Fear and loathing across party lines: new evidence on group polarization" *American political sociology*, 59(3), 690-707.
- Jacoby, W. (2014). "Is there a culture war? Conflicting value structures in American public opinion". *American political sociology*. 108 (04), 754-771.
- Jha, A., Chen, Y. (2015). "Audit fees and social capital". *Account. Rev.*, 90(2), 611-639.
- Jha, A. (2017). *Financial reports and social capital*. *J. Bus. Ethics*
- Jha, A., Boudreaux, C., and Banerjee, V. (2018). "Political leanings and social capital". *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 72, 95-105.
- Jottier, D., Heyndels, B. (2012). *Social capital and government Disentangling the Process at work*. In: Marc Hooghe (ed.), *Social Cohesion contemporary*

- theoretical perspectives on the study of social cohesion and social capital, Koninklijke Vlaamse Academie van België voor.
- Klesner, J. and Kenyon, C. (2007). "Social capital and political participation in latin America". *Latin American Research Review*, 42, 21-32.
- lipset, S., Rokkan, S. (1968). *Cleavage Structures, Party Systems and Voter Alignments. Introduction*. In Party Systems and Voter Alignments: Cross-National Perspectives, ed. by Seymour M. Lipset and Stein Rokkan. New York: The Free Press.
- Lake, L., Huckfeldt, R. (1998). "Social capital, social networks and political participation". *Political Psychology*, 19(03), 89-101.
- Milbrath, L. (1981). *Political participation, Handbook of political behavior*. Vol. 4 ,ed .S .long , new York: plenum press.
- Mulligan, K. (2008). "The myth of moral values voting in the 2004 presidential election. PS: Polit". *Social, politi*, 41(01), 109-114.
- Smith, E. (2002). "Investments in the Social Capital: analysis Longitudinal". *American Journal of Sociology* 21, 33-44.
- Verba, H. (1995). *Civic voluntarism in American*, MA: Harvard University Press. 19, 13-49
- Whiteley, P. and Seyd, P. (1996). "Rationality and Party Activism: Encompassing tests of Alternative Models of Political Participation". *European Journal of Political Research*, 29, 102-145
- Zhocoobi, Y. (2014). "To Vote or Not To Vote: An Analysis of Peasants' Participation in Chinese Village Elections". *Comparative Political Studies*, 35, 41-50.